

شکل‌گیری کتابداری نویسن در ایران



پوری سلطانی

مطالعه تاریخ کتابخانه‌های اسلامی نشان می‌دهد که سوای کتابخانه‌های مدارس علمیه و مساجد، در ابتدا غالب کتابخانه‌ها به همت افراد خیر و نیز محقق و اهل علم یا امرا و وزرای صاحب فضل همچون ابن عمید دایر می‌شد و به وقف یا به هدیه در اختیار عموم قرار می‌گرفت. به همین دلیل غالب این کتابخانه‌ها به نام صاحبان آنها نامیده می‌شد. مثل کتابخانه خاندان بلعمی، کتابخانه ابن عمید نوری، کتابخانه صاحب بن عباد که خود مجموعه آنرا صد و هفده هزار نام می‌برد، و کتابخانه سهلان ساوجی و غیره.

از طرفی هیچ مسجد و مدرسه‌ای نیست که در جوار کتابخانه‌ای معظم به وجود نیامده باشد. اینها نیز درهائشان به روی همه اهل علم و تحقیق باز بوده و همچون کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی امروز عمل می‌کرده‌اند. کمتر کسی است که شهرت و عظمت کتابخانه‌های مدرسه نظامیه را که در تمام شهرهای معتبر ایران و سایر بلاد اسلامی تأسیس شده بود نشنیده باشد. تعداد مدرسی از این دست در ایران اسلامی کم نبودند. متأسفانه ذکر همه آنها در حوصله این مختصر نمی‌گنجد. یاقوت در سفر خود وقتی به مرو می‌رسد در آنجا ده کتابخانه می‌بیند که برخی از آنها تا ۱۲ هزار جلد کتاب داشته است و او چنان تحت تاثیر آنها قرار می‌گیرد که آرزو می‌کند بتواند بیشتر در آن شهر بماند.

ذکر این مختصر بدان جهت است که بگوئیم اگر کتابخانه‌هایی بدین عظمت در ایران اسلامی، موجود بوده ناگزیر باید کتابداری نیز رونق داشته باشد، و بی شک کتابداری رونق

کتاب، کتابخانه و کتابداری در ایران دارای سنتی دیرینه است. از آنچه که تاریخ نویسان درباره کتابخانه‌های قبل از اسلام گفته‌اند، نظیر آنچه به شاه تهمورث نسبت می‌دهند و به نام کهن‌دژ یا کتابخانه سارویه‌جی اصفهان مشهور است، تا کتابخانه دانشگاه گندی‌شاپور که انوشیروان بنا نهاد، در می‌گذریم و به اختصار اشاره می‌کنیم به کتابخانه‌های بعد از اسلام که تاریخی روشن و مکتوب دارد. از این کتابخانه‌ها تاریخ نویسان، سفرنامه نویسان، جغرافیا نویسان و کتابشناسان بسیار یاد کرده‌اند. اولین اشاره‌ها مربوط می‌شود به سالهای قرن هشتم میلادی (قرن دوم هجری قمری) و آن یادی است از کتابخانه ابوفای همدانی، در شرح حال ابی تمام شاعر مشهور عرب (متوفی به سال ۲۲۳ هجری قمری) که برای استفاده از کتابخانه مزبور به ایران سفر کرده بود. از این پس اشارات بسیار داریم به انواع کتابخانه‌های قدیمی، مدرسه‌ای و کتابخانه‌های مساجد، تا می‌رسیم به ابن ندیم، مورخ، شرح حال نویس و کتابشناس مشهور ایرانی که به توصیف کتابخانه‌های بسیاری از قبل و بعد از اسلام تا زمان حیات خود، می‌پردازد. و پس از او المقدسی، صاحب احسن‌التقاسیم را داریم که از جمله کتابخانه عضدالدوله در شیراز را دیده و درباره آن می‌گوید: در کتابخانه عضدالدوله از هر کتابی که تا زمان او تالیف و تصنیف یافته بوده است در انواع علوم وجود داشته و کتابها بر حسب موضوع و نام کتاب و مؤلف طبقه‌بندی و فهرست شده بوده است و هر دانشی در اتاقی جداگانه نگهداری می‌شده است.^۱

داشته است. شواهد بسیار در دست است. می بینیم که این ندیم از ده جلد فهرست کتابخانه صاحب بن عباد یاد می کند و المقدسی تصریح دارد که کتابخانه عضالدوله در شیراز بصورت موضوعی مرتب شده بود و برای هر موضوع فهرست جداگانه وجود داشت. از آنچه در مورد شرایط استفاده از کتابخانه ها، امانت کتاب، حق و حقوق کتابدار و شیوه های جلب اهل تحقیق به کتابخانه ها می خوانیم در می یابیم که اگر شرایط، بهتر از شرایط امروز دنیای غرب نبوده باشد، مسلماً پائین تر از آن نبوده است. بی جهت نیست که عزت، شرف و حرمت کتابدار شدن تا بدان پایه است که وقتی مسعود سعدسلیمان، شاعر پارسی گوی ایران به ریاست کتابخانه سلطان مسعود ابراهیم غزنوی برگزیده می شود بدان می بالد و می گوید:

دارالکتب امروز به بنده است مفوض

این عز و شرف گشت مرا رتبه والا

بس زود چو آراسته گنجی کنمش من

کو تازه مثالی بود از مجلس اعلی

و این در حالی است که مسعود سعد خود قبل از انتصاب به کتابداری کتابخانه، منصب امارت داشته و به فضل و ادب مشهور بوده است. معلوم است که هم او به رموز طبقه بندی آگاه بوده است، چنان که در قصیده ای دیگر می گوید:

کند مشحون همه طاق و رف آن

به تفسیر و به اخبار و به اشعار

تاریخ ایران پر است از حوادث ناگوار و قتل و غارتها و فرهنگ ستیزی ها. فلات ایران به علت موقعیت جغرافیائی و زمینهای حاصلخیز و ثروت های زیرزمینی غنی و مردم صبورش همواره مورد تهاجم اقوام مختلف قرار گرفته و هر یک از مهاجمین به نوبه خود در از بین بردن آثار اندیشه های متفکران و صاحبان قلم بر دیگری برتری جسته اند. در هنگامه هجوم های وحشیانه بیش از همه کتابخانه ها و مراکز فرهنگی آسیب دیده اند. تکرار این حوادث باعث شد که از قرن هفدهم میلادی (دهم هجری قمری) به بعد دیگر رونق و شکوه کتابخانه ها از یاد رفت. هر بار دانشمندان و دانش دوستانی که جان سالم بدر می بردند به گوشه ای می خزیدند و مغزهای متفکر گاهی بسوی هند، گاهی بسوی روم و گاهی بسوی شام فرار می کردند. بدین ترتیب می بینیم در حالی که غرب رو به سوی بیداری دارد و می رود تا کتابخانه های معتبر بنا کند، در ایران درهای کتابخانه ها بسته می شود و خاک روی اندیشه و تفکر قرن های گذشته را می پوشاند. بی جهت نیست که امروز برخلاف بسیاری از کشورهای دنیای غرب، کمتر کتابخانه ای در ایران یافت می شود که قدمت تاریخی آن به دوران شکوفائی تاریخ و تمدن اسلامی در ایران برسد. به زبانی دیگر از هیچیک از کتابخانه ها، عظیم و مشهور گذشته اکنون اثری نیست. از این میان تنها می توان به کتابخانه آستان قدس رضوی اشاره کرد که در جوار حرم مطهر امام رضا در مشهد قرار دارد. و تاریخ تأسیس آن تا آنجا که امروز از آن اطلاع دقیق داریم به اوایل قرن ۱۴ میلادی (قرن هفتم هجری



قمری) می رسد. گرچه در این دوران به روایت تاریخ کتابخانه های معتبر بسیاری در غالب بلاد اسلامی وجود داشته است، لکن این کتابخانه شاید به علت مجاورتش با حرم مطهر امام رضا و قداستی که از این رهگذر کسب کرده بود هرگز بکلی نابود نشده است و هر بار پس از فرونشینی تهاجمات بنحوی مورد بازسازی قرار گرفته و حیات خود را از سر گرفته است.^۲ این کتابخانه اکنون با مجموعه ای شامل ۲۵۸ هزار نسخه کتاب، به ۳۶ زبان که تعداد ۲۸۲۱۸ عدد آن خطی و ۲۷۴ جلد آن نسخه عکسی است و نیز

در توصیف بسیاری از کتابخانه ها از جمله کتابخانه نوح بن منصور سامانی در اواخر قرن نوزدهم میلادی (قرن چهارم هجری قمری) می خوانیم که آنها به طریق موضوعی مرتب شده بودند و دارای فهراس منظم و مدون بوده اند. وجود کتابداران فاضلی چون ابن مسکویه، یحیی بن علی معروف به خطیب تبریزی (رئیس کتابخانه نظامیه)، خواجه نصیر طوسی و نظایر آنها نشان می دهد که کتابداری دارای قدر و ارزش بسیار بوده است و جز صاحبان فضل و دانش در رأس کتابخانه ها نمی نشستند.



کتابخانه‌های ایرانی نیاز به تحقیقات گسترده دارند. بدین ترتیب کمیته تحقیقات مرکز که بعداً به گروه علوم کتابداری تبدیل شد، مامور تحقیق در این باب شد. طی ده سال کار مداوم، با انتشار بیش از بیست و چند جلد کتاب و نشریه که غالباً نتیجه تحقیقات انجام شده در زمینه کتابداری ایرانی بود، این مرکز توانست گام موثری در معرفی کتابداری نوین به جامعه کتابداران ایران بردارد. کتابها و آثار تحقیقاتی مرکز خدمات کتابداری بخصوص در زمینه رده‌بندی و فهرست‌نویسی به سرعت در کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی راه یافت و بکار بسته شد. این مرکز با چاپ فهرست برگه‌هایی که طبق موازین و قواعد بین‌المللی تهیه و نشر می‌شد و فروش آنها به کتابخانه‌های سراسر کشور سعی کرد یکدستی، صحت و دقت در کار خدمات فنی کتابخانه‌ها را تامین و در این راه به موفقیت‌های چشمگیری نایل آمد، بطوری‌که امروزه حتی کتابخانه‌های عمومی هم که کمتر از سایر کتابخانه‌ها به رهنمودهای مرکز عنایت داشتند، می‌کوشند شیوه و فرم فهرست‌نویسی مرکز خدمات کتابداری را بکار بندند.

بدیهی است کتابخانه‌هایی که در راس آنها کتابداران متخصص قرار داشتند بیشتر از سایر کتابخانه‌ها از فهرست برگه‌های چاپی استقبال می‌کردند. کتابخانه‌های عمومی و برخی کتابخانه‌های مدارس نیز گاه این برگه‌ها را می‌خریدند ولی غالباً به علت نداشتن متخصص کتابداری و فقدان مدیریت خلاق شیوه استفاده از آنها را نمی‌دانستند. بهر حال قدر مسلم این است که مرکز خدمات کتابداری تحولی عظیم در اجرای خدمات فنی در کتابخانه‌ها به وجود آورد تا آنجا که حتی برخی از کتابخانه‌های محروم و دور افتاده کشور نیز با ارسال نامه‌هایی تقاضای کمک‌های مشاورتی و خرید فهرست برگه‌های چاپی مرکز را می‌کردند.

نتیجه تحقیقات گروه علوم کتابداری به کتابخانه‌های ملی بزرگ دنیا از جمله کتابخانه کنگره، انگلستان، آمریکا و فرانسه و بسیاری از مؤسسات شرق‌شناسی ارسال می‌شد و در مورد تحقیقات مربوط به رده‌بندی در نظام‌های دیویی و کنگره آمریکا، مرکز همواره با کتابخانه کنگره آمریکا و ناشران این دو رده‌بندی در تماس بود و برای چاپ هر یک تائید و اجازه‌های لازم را کسب می‌کرد. مرکز خدمات با عضویت در فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) و شرکت در کنفرانس‌ها، مجامع، برنامه‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی نظرگاه‌ها و بینش‌های علمی کتابداری را به جامعه ایران منتقل می‌کرد و متقابلاً کتابداری ایران و ویژگی‌های آن را به صحنه‌های بین‌المللی معرفی می‌نمود. کلاس‌های کتابداری یکماهه مرکز که بیشتر تاکید آن بر خدمات فنی بود صرفاً به خاطر پاسخ به نیاز فوری جامعه کتابداری ایران از

اجرای طرحها و برنامه‌های اساسی کتابداری در سطح ملی، چون طرح امانت بین کتابخانه‌ای، ایجاد روابط علمی و فرهنگی با کتابخانه‌های مشابه در سراسر دنیا و عضویت در فدراسیون بین‌المللی دکومانتاسیون FID به زودی به یکی از کتابخانه‌های مدرن ایران تبدیل شد و الگوی کتابخانه‌هایی قرار گرفت که پس از آن بمنظور ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و دکومانتاسیون بیشتر در بخش دولتی در ایران تاسیس گردید.

این مرکز با انتشار مجله چکیده، فهرست مشترک مجلات علمی و علوم اجتماعی، و آگاهینامه‌های دیگری از این قبیل، محققان، استادان دانشگاه‌ها، دانشجویان و هر آنکس را که نیاز به اطلاعاتی در زمینه علوم و علوم اجتماعی داشت یاری می‌کرد. ایجاد این مرکز و خدمات اطلاعاتی که به شیوه کتابخانه‌های غرب ارائه داد به انضمام نقش مشورتی که در امر هدایت و راهنمایی کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی ایفا می‌کرد اثری بسیار تعیین‌کننده در شناخت کتابداری مدرن در ایران بجا گذاشت.

مرکز خدمات کتابداری

ضعف کتابخانه‌های کشور بیش از همه معلول فقدان کتابداران متخصص بود و این امر طبعاً نارسائی‌های سازماندهی مدارک را موجب می‌شد. لذا حتی اگر کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاعاتی جدیدی هم بر مبنای نیازهای روز بوجود می‌آمد، به علت نداشتن نظم و سازمان صحیح نمی‌توانست به اهداف خود دسترسی بیابد. به همین جهت مرکز مدارک علمی هم نمی‌توانست بدون برخورداری از خدمات فنی مدرن به حیات و خدمات خود ادامه دهد. با روشن شدن این مطلب همزمان با تاسیس مرکز اسناد و مدارک علمی، مرکز خدمات کتابداری نیز توسط وزارت علوم و آموزش عالی با هدفای زیر تاسیس شد:

مرکز خدمات کتابداری وظیفه دارد با بکار گرفتن آخرین و جدیدترین پیشرفته‌ها و نوآوری‌های علم کتابداری به پیشبرد سریع کتابخانه‌های ایران کمک کند و با استفاده از کتابداران متخصص، خدمات خود را در سطحی وسیع در اختیار کتابخانه‌های ایران قرار دهد.

برای برآوردن این هدف که در واقع هدفی زیربنائی و اساسی برای کتابخانه‌های ایران محسوب می‌شد، ریاست مرکز خدمات کتابداری و معاونت آن به دو متخصص کتابداری که هر دو از دانشگاه‌های کتابداری خارج از ایران فارغ‌التحصیل شده بودند و هر یک با چند سال سابقه کار در کتابخانه‌های خارج و داخل تجارب ارزنده‌ای حاصل کرده بودند، سپرده شد.^۴

هنوز نیم سالی از تاسیس مرکز خدمات کتابداری نگذشته بود که متخصصان کتابداری دریافتند که در زمینه خدمات فنی برای



گرفتن شماره ثبت به کتابخانه ملی ارسال می‌شد. این کتابها توسط اداره نگارش بررسی می‌شد و اگر انتشار آن به صلاح تشخیص داده می‌شد اجازه ثبت می‌گرفت. ناشران موظف بودند بعد از انتشار، دو نسخه از کتابها را که شماره ثبت و اجازه ترخیص گرفته بود به کتابخانه ملی ارسال دارند، این اهم کار کتابخانه ملی قبل از انقلاب بود. بعداً برای این کتابها فهرستبرگه‌هایی که دور از استانداردهای بین‌المللی بود ساخته می‌شد، مجموعه فهرستبرگه‌ها گاه ماهانه، گاه فصلی و گاه سالانه به نام کتابشناسی ملی ایران به چاپ می‌رسید. با کتابخانه‌های خارج رابطه‌ای نداشت و اگر هم نام‌های از سایر کتابخانه‌های ملی یا مراکز شرقشناسی دریافت می‌کرد غالباً به علت فقدان کارمندی که به زبان‌های خارجی و هنر کتابداری آشنائی داشته باشند بی‌جواب می‌ماند. کتابهای کتابخانه بر حسب شماره ثبت در قفسه‌ها قرار می‌گرفت. بسیاری از این کتابها اساساً فاقد برگه بود و برگه‌های موجود هم از هیچگونه یکدستی و ضابطه خاصی برخوردار نبود. کتابخانه با زیرزمین‌هایی که گونی سالها مورد استفاده قرار نگرفته به کتاب انباری آشفته و خاک گرفته می‌مانست.

انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته از دین مبین اسلام که پایه و اساس آن بر «کتاب» مبتنی بود، طبعاً نسبت به کتاب، کتابخانه و کتابداری با احترامی خاص می‌نگریست. انقلاب اسلامی یکبار دیگر اذهان را متوجه دوران شکوفائی کتابخانه‌های اسلامی کرد. هنوز یکسال از انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که پیشنهاد ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی ایران مطرح و به وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت تقدیم شد. شك نیست که جای به حق این مرکز در کتابخانه ملی بود زیرا که فعالیتهای آن در واقع وظایفی بود که می‌بایست کتابخانه ملی انجام دهد ولی نمی‌داد. از طرفی

ساز ۱۳۵۰ (۱۹۷۱ میلادی) به وجود آمد. این کلاسها که توسط متخصصان کتابداری مرکز تدریس می‌شد بدون هیچگونه تبلیغات قبلی آنچنان محبوبیتی کسب کرد که نامنویسی آن غالباً تا سه سال بعد تکمیل بود.

نکته‌ای که بیش از هر چیز باعث اعتلای قدر و مقام کتابدار و حرفه کتابداری در ایران شد کسب مقام هیات علمی برای کتابداران این دو مرکز بود. کتابداران متخصص در مرکز خدمات کتابداری و مرکز اسناد و مدارك علمی که دارای درجه فوق لیسانس کتابداری یا بالاتر بودند طبق قانون اجازه یافتند که به کادر هیات علمی وزارت علوم و آموزش عالی بپیوندند. بدین ترتیب گروه علوم کتابداری و دکومان‌تاسیون در این دو مرکز بوجود آمد که اعضای آن مثل اعضای هیات علمی دانشگاه تهران استخدام می‌شدند و مراحل ارتقا را می‌پیمودند. دانه‌ای که در سال ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰ شمسی) کاشته شد به تدریج به نهالی بارور تبدیل شد و کتابداران غیر متخصص را بر آن داشت که با اعتلای دانش خود و شرکت در دوره فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران امکانات پیشرفت را برای خود فراهم سازند. همچنین تعداد بیشتری از جوانان با استعداد رو به سوی این علم که به تازگی رواج یافته بود آوردند و پس از فراغت در تحصیل وارد کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی شدند.

دهه بعد از انقلاب

با اینهمه آنچه قبل از انقلاب همیشه مایه تأسف کتابداران متخصص بود دور نگهداشتن کتابخانه ملی ایران بود از کلیه پیشرفت‌های کتابداری. کتابداران بخوبی می‌دانستند تا زمانی که کتابخانه ملی مملکت وظایف و اهداف خود را بدرستی انجام ندهد بهبود کتابخانه‌های دیگر ظاهری و بی‌ثبات است. چطور می‌شد مادر کتابخانه‌های کشور ضعیف و ناتوان باشد ولی بتواند کتابخانه‌هایی برومند و معتبر پرورش دهد. مرکز خدمات کتابداری دقیقاً به این خاطر بوجود آمده بود که ضعف‌های کتابخانه ملی را جبران کند. ولی متأسفانه این مرکز نوپا نتوانست در کتابخانه ملی که بندرت کتابدار متخصص در آن راه یافته بود نفوذ کند. مشکل اساسی مرکز خدمات کتابداری دسترسی نداشتن به مجموعه کتب فارسی و عربی منتشر شده در ایران بود که طی سالها در کتابخانه ملی جمع آوری شده بود. لذا غالباً مجبور بود برای انجام تحقیقات خود به منابع دست دوم مثل کتابشناسی‌ها و فهراس موجود که البته کامل نبود، پناه ببرد.

همانطور که گفته شد کتابخانه ملی ایران قبل از انقلاب اسلامی کتابدار متخصص در استخدام خود نداشت. طبق قانون دونه‌سخه از کتب منتشر شده در ایران بایستی قبل از انتشار برای



۱۷۰۰ عنوان مجله و روزنامه و حدود ۱۹۵۱۵۷ برگ اسناد خطی در ۳۲ موضوع یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های ایران بخصوص از لحاظ قرآن‌های خطی و کتب مربوط به اسلام‌شناسی محسوب می‌شود. این کتابخانه که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه و عنایت خاص اولیای امور قرار گرفت به زودی به ساختمان جدیدی با زیر بنای ۲۷ هزار متر با گنجایش بیش از یک میلیون جلد، که مراحل نهائی تجهیز را می‌گذراند منتقل خواهد شد.

با اینحال این تنها کتابخانه‌ایست که عظمت و قدمت خود را حفظ کرده است، و همانطور که قبلاً یاد شد از قرن هفدهم (دهم هجری) به بعد دوران فترت و رکود حاصل می‌شود و دیگر از آن شکوفائی و عظمتی که مقدسی‌ها، ابن ندیم‌ها و یاقوت‌ها بدان اشاره می‌کنند، خبری نیست.

ایران در قرن حاضر

حدود سه قرن خلاء و سکوت و در این مدت کتابخانه‌ها در غرب رو به تزايد بود. افزایش مجموعه کتابخانه‌ها که به علت گسترش چاپ و تنوع فرمهای چاپی به سرعت پیش می‌رفت، تدابیر جدیدی را برای سازماندهی کتابخانه‌ها طلب می‌کرد. در نتیجه قواعد فهرستنویسی تدوین می‌شد و نظامهای رده‌بندی گسترش می‌یافت و دستورالعملها و نظریات جدید در مورد کتابداری ارائه می‌شد و سرانجام کتابداری به علمی نوین بدل شد که مثل هر علم دیگری دارای فلسفه، نظریه و متدلیزی خاص خود بود تا آنجا که از اواخر قرن نوزدهم تدریس کتابداری مرسوم شد و بتدریج مدارس و دانشکده‌های کتابداری در غرب بوجود آمد و امروز ما شاهد درجات مختلف کتابداری از فوق‌دیپلم تا دکترا هستیم.

اما این علم نوین به نسبت سنت دیرینه کتابداری در ایران، بسیار دیر در این مرز و بوم پا به عرصه وجود گذاشت. اولین نشانه‌های آنرا باید در کتابخانه مدرسه جدیدالتاسیس دارالفنون که در سال ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۶۸ هجری قمری) به همت امیرکبیر صدراعظم وقت به شیوه غرب در ایران دایر شد، جستجو کرد. کتابخانه‌ای که مجموعه آن بعدها هسته اولیه کتابخانه ملی ایران را تشکیل داد.

به دنبال انقلاب مشروطه و به سبب انتشار روزنامه‌ها، کتابها و مجلات توسط روشنفکرانی که با تمدن غرب آشنائی داشتند خواه و ناخواه مظاهر تمدن غرب به کشور راه می‌یافت. مدارس جدید جای مکتب‌خانه‌ها را می‌گرفت و به دنبال آن دانشسراها و مدارس عالییه تاسیس می‌شد. بدین ترتیب اولین دانشگاه ایران نیز در سال ۱۹۳۴ میلادی (۱۳۱۳) به نام دانشگاه تهران تاسیس شد. دانشگاهها و دانشسراها نیاز به کتابخانه داشتند. لذا هر



دانشکده‌ای که آغاز به کار می‌کرد کتابخانه‌ای نیز در جوار آن به وجود می‌آمد. کتابخانه‌های دارالمعلمات، دانشسرای عالی، دانشکده ادبیات و کتابخانه دانشکده حقوق از اولین کتابخانه‌های دانشگاهی محسوب می‌شوند. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که اکنون یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های دانشگاهی ایران است و مسلماً اثر بسیار مثبتی در ورود و ترویج کتابداری نوین در ایران داشته است، دیرتر از کتابخانه‌های دانشکده‌ها به وجود آمد ولی به همت آقای ایرج افشار، رئیس کتابخانه، مجموعه آن از لحاظ کتاب، نشریات ادواری، عکس و سایر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، به زودی از سایر کتابخانه‌ها پیشی گرفت.

افزایش مجموعه این کتابخانه‌ها و بالا رفتن توقعات دانشجویان ایجاب می‌کرد که از تدابیر جدید کتابداری برای برآوردن نیازهای اطلاعاتی مراجعان استفاده شود. یکی دو تن از کتابداران غیر متخصص برای فراگرفتن شیوه‌های نوین کتابداری به خارج از ایران اعزام و پس از بازگشت در کتابخانه‌های دانشگاهی مشغول به کار شدند. ولی تعداد آنها برای اداره کتابخانه‌ها کافی نبود. لذا به همت دانشگاه تهران چندین دوره کوتاه مدت کتابداری در ایران تشکیل شد. ^۳ اولین آنها برمی‌گردد به سال ۱۹۴۱. در همان سال نیز کلاسهای کوتاه مدتی در شورای کتاب کودک دایر می‌شد که تا سال ۱۳۴۴ ادامه داشت. از سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱ شمسی) تا سال ۱۹۶۶ میلادی (۱۳۴۵ شمسی) کلاسهای چند که همگی توسط کتابداران خارجی تدریس می‌شد به ابتکار دانشگاه تهران در ایران تشکیل شد. طول این دوره‌ها بین سه تا شش ماه بود. تشکیل این دوره‌ها گرچه لازم بود ولی به علت کوتاهی مدت کافی به نظر نمی‌رسید. لذا حدود سیزده سال بعد باز هم به همت دانشگاه تهران و در نتیجه کوششهای آقای ایرج افشار رئیس

شناساندن ارزش صاحبان این حرفه باز کرد و به موفقیت‌های نسبتاً چشمگیری در این زمینه نایل شد. کمیته روابط عمومی با تشکیل سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و گردهم‌آیی‌ها باعث تشکّل هر چه بیشتر کتابداران و پیشرفت دانش‌های کتابداری شد.

مرکز اسناد و مدارک علمی

مساله کتابداری و اطلاع‌رسانی در اذهان برخی از مسؤولان مملکتی که اهم تحصیلات خود را در غرب به انجام رسانده بودند نیز رسوخ کرد. ضعف کتابخانه‌ها اعم از تخصصی، دولتی یا عمومی که در نتیجه امکان برنامه‌ریزی صحیح در امر تحقیق و توسعه را فراهم نمی‌کرد باعث شد که برخی از دستگاه‌های دولتی به فکر ایجاد مراکز اطلاعاتی یا کتابخانه‌های مدرن بیفتند. وزارت علوم و آموزش عالی که یکی دو سال پیشتر از تاسیس آن نمی‌گذشت و قرار بود اداره امور و برنامه‌ریزی آموزش عالی در



کشور را عهده‌دار باشد نیاز به يك کتابخانه مجهز را به زودی احساس کرد. و بدین ترتیب به تاسیس مرکز اسناد و مدارک علمی همت گماشت. این مرکز در واقع کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی وزارت علوم و آموزش عالی بود ولی بنا بر اهداف مدرن خود می‌بایست در زمینه‌های علوم و علوم اجتماعی خدمات خود را در خدمت کارمندان و محققان و برنامه‌ریزان وزارت متبوع و نیز کلیه افرادی قرار دهد که در زمینه‌های مزبور اطلاعاتی را طلب می‌کردند. لذا این مرکز مثل يك کتابخانه تخصصی ملی عمل می‌کرد. رئیس این مرکز آقای علی سینائی و معاون آن آقای حسین دانشی هر دو دارای فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه‌های انگلیس و فرانسه بودند.

این مرکز با انتخاب و تهیه کتب و مراجع معتبر و مفید در زمینه‌های علوم و علوم اجتماعی به زبانهای فارسی و انگلیسی و

کتابخانه مرکزی دانشگاه و نیز رئیس دانشکده علوم تربیتی، رشته فوق لیسانس کتابداری در دانشگاه تهران تاسیس شد. مدرسین دوره اول از طرف بنیاد فولبرایت به ایران آمده بودند. درسها به زبان انگلیسی تدریس می‌شد.

لازم به تذکر است که در این زمان حدود ۷ کتابدار متخصص ایرانی که همه فوق لیسانس خود را در رشته کتابداری از دانشگاه‌های خارج کسب کرده بودند، عمدتاً در کتابخانه‌های دانشگاهی مشغول به کار بودند. مقرر شد برخی از این افراد در کلاسهای استادان آمریکائی حضور بیابند تا آمادگی لازم برای اداره دوره فوق لیسانس در سالهای بعد را پیدا کنند. دوره اول پس از دو سال ۱۳ فارغ‌التحصیل داد که همه در کتابخانه‌های مختلف دولتی یا دانشگاهی شاغل بودند.

تاسیس رشته فوق لیسانس کتابداری را باید نقطه عطفی در رونق مسلم کتابداری نوین در ایران دانست. به دنبال دوره فوق لیسانس، بعدها دوره لیسانس و فوق دیپلم نیز در دانشگاه تهران و یکی دو دانشکده دیگر تشکیل شد.

در عرض دو سال سه واقعه مهم دیگر کتابداری در ایران پایه‌های کتابداری جدید را در ایران مستحکم کرد.

۱ - تاسیس انجمن کتابداران ایران ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۶ شمسی)

۲ - تاسیس مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷)

۳ - تاسیس مرکز اسناد و مدارک علمی در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ شمسی)

انجمن کتابداران ایران

در سال ۱۳۴۶ به همت گروه کوچکی از کتابداران متخصص و غیر متخصص ولی مجرب، انجمن کتابداران ایران تشکیل و اعلام هویت کرد. انجمن با چهار کمیته انتشارات، حقوقی، آموزش و روابط عمومی فعالیتهای گسترده‌ای را در راه تشکّل کتابداران و شناساندن نقش واقعی آنان به خود و به جامعه و مسؤولان مملکتی آغاز کرد. کمیته آموزش دست به تشکیل کلاسهای کوتاه مدت کتابداری برای کتابداران غیر متخصص و حتی آموزگاران دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در تهران و شهرستانها زد و از این راه کتابداری نوین را به طیف کثیری از افراد معرفی کرد. کمیته انتشارات انجمن با انتشار يك اخبار ماهانه و يك فصلنامه علمی جانی تازه به دنیای کتابداری ایران که سه قرن دچار رکود و رخوت شده بود بخشید، و با انتشار اخبار و وقایع و پیشرفتهای کتابداری در جهان کمک مؤثری به اعتلای سطح آگاهی کتابداران ایرانی نمود. کمیته حقوقی باب مذاکره با مسؤولان مملکتی را در مورد

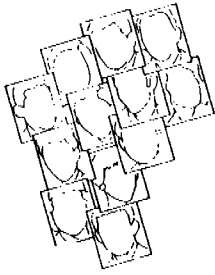


کتابخانه ملی بایستی با تقویت معنوی خود هم حامل پیام انقلاب به سایر کشورها می‌شد و هم با اشراف بر کتابخانه‌های کشور آنها را از نظر فنی و خدماتی تقویت می‌کرد و در برنامه‌ریزی‌های ملی مربوط به کتاب، کتابداری و کتابخانه شرکت فعال پیدا می‌نمود. کتابخانه ملی پس از انقلاب دیگر نقش سانسور کتاب را از دست داد و متأسفانه ارسال دو نسخه کتاب به آن نیز متوقف شد.

با توجه به این امر و در نظر گرفتن این نکته که کتابخانه ملی با وضع سابق و فقدان نیروی متخصص و فعال امکان ایفای نقش مورد نظر در جمهوری اسلامی ایران را نداشت، وزارت فرهنگ و آموزش عالی مصمم شد مرکز خدمات کتابداری را در کتابخانه ملی ادغام کند و این امر سرانجام در سال ۱۹۸۳ میلادی (۱۳۶۲ شمسی) به تحقق پیوست. مرکز با دوازده تن عضو هیأت علمی و حدود ۵۰ کارشناس و کارمند با ۱۵ سال تجربه کتابداری پیشرفته و مجموعه‌ای از منابع مراجعه و متون کتابداری که بالغ بر ۱۴ هزار عنوان می‌شد در کتابخانه ملی ایران ادغام شد. این امر به کتابخانه ملی ایران جانی تازه بخشید و با تجدید نظر در اهداف و وظایف خود حیات نوینی را آغاز کرد.

اکنون کتابخانه ملی ایران فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه حفظ و نگهداری میراث فرهنگی، ایجاد روابط بین‌المللی، انتشار کتابشناسی ملی ایران بر اساس استانداردهای پیشنهاد شده توسط یونسکو و فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)، شرکت در برنامه‌ریزی‌های ملی کتابداری، مشاوره و راهنمایی کتابداران و کتابخانه‌ها و نظایر آن را آغاز کرده است. کتابخانه ملی ایران که اکنون به وزارت فرهنگ و آموزش عالی وابسته است بزودی به سازمانی مستقل تبدیل خواهد شد. قانون استقلال کتابخانه ملی ایران هم اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست مطالعه است و امید است که بزودی با کوششها و پیگیریهای خستی‌ناپذیر جناب آقای رحیمی ریاست محترم کتابخانه، این امر مهم جامعه عمل پیوشد.^۵

انقلاب اسلامی ایران تحول عظیمی در چاپ و نشر کتاب به وجود آورد و از این راه‌برغنی مجموعه‌های کتابخانه‌های ایران به نسبت چشمگیری افزود. تیراژ کتاب گاه به صد هزار می‌رسد و حال آنکه قبل از انقلاب حد متوسط تیراژ کتاب بین ۲ تا ۴ هزار بود. در سال اول انقلاب، در بحبوحه شور و نشاط ناشی از انقلاب کتابخانه‌های عمومی و روستائی بصورت یک نهاد خود جوش از سوی مردم در روستاها، شهرها و حتی هتلها و فروشگاههای بزرگ به وجود آمدند و مردم با ولع غیر قابل وصفی به کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها روی می‌آوردند. گرچه به علت مشکلات و مصائب



ناشی از جنگ تحمیلی بسیاری از این کتابخانه‌ها دوام نیافت ولی از این رهگذر اکنون حدود ۲۵۰۰ کتابخانه روستائی که توسط جهاد سازندگی اداره می‌شود، در روستاهای محروم و دور افتاده ایران به فعالیت ادامه می‌دهد و این در حالی است که قبلاً در ایران کتابخانه روستائی ثابت وجود نداشت و فقط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در سال ۱۹۶۶ تأسیس شده بود، با واحدهای سیار خود تعدادی از روستاها را از جهت کتابرسانی تأمین می‌کرد.

اکنون کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واحدهای کتابخانه‌ای ثابت خود را در سراسر ایران به ۲۵۰ عدد افزایش داده است. به این واحدها نباید تنها به چشم یک کتابخانه نگریست، بلکه آنها مراکز فرهنگی و آموزشی هستند که با برنامه‌های گسترده‌ای در زمینه دایر کردن کلاسهای نقاشی، تئاتر، فیلم‌سازی، قصه‌گویی، شعرخوانی و غیره باید نقش بسیار مهمی را در اعتلای پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بارورکردن استعدادهای خلاقه آنان بازی کنند.

تعداد کتابخانه‌های عمومی از ۳۶۳ واحد در قبل از انقلاب اکنون به ۵۰۳ واحد افزایش یافته است. در برنامه پنج‌ساله ۱۹۸۹-۱۹۹۳ (۱۳۶۸-۱۳۷۳) برای تأسیس کتابخانه‌های مدارس و عمومی جدید و تقویت کتابخانه‌های موجود برنامه‌های وسیعی در نظر گرفته شده است که اجرای آنها مسلماً تحول چشمگیری در زمینه بهبود آنها به وجود خواهد آورد.

علاوه بر این کلیه دانشگاهها دارای کتابخانه‌های مرکزی بزرگ و کتابخانه‌های دانشکده‌های اقماری هستند که در نتیجه

آنچه امروز يك متخصص کتابداری می تواند بدان ببالد، فراهم آوردن موجبات شناسائی حرفه کتابداری و دگرگون شدن فضای کتابداری بطور کلی است که گوئی از بیست و چند سال گذشته تا کنون، به پشتوانه سنت دیرینه خود، ره صد ساله پیموده است. آنگاه که برای نوشتن این مقاله به گذشته می اندیشیدم، مروری کردم به اولین جزوه ها و کتابهایی که درباره علم کتابداری در سالهای اول شکل گیری کتابداری نوین در ایران به چاپ رسید. جزوه کوچکی را ورق زدم در ۴ صفحه که در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) انجمن کتابداران ایران به نام «کتابداری» به مناسبت هفته کتاب منتشر کرده بود.

مطالب این جزوه که بطور حیرت انگیزی ساده و ابتدائی است، حکایت از حدود معلومات اکثریت جامعه کتابداران آن روزگار دارد. در حالی که اکنون مقالات و آثاری که در زمینه کتابداری در ایران منتشر می شود علمی و غالباً در مورد آخرین پیشرفتهای علم کتابداری در جهان است. امروز کتابداران ما در برنامه ها و طرحهای بین المللی کتابداری شرکت می کنند، نسبت به آنها با دید منتقدانه اظهار نظر می کنند و عقاید و نظرات آنان مورد تأیید و توجه خاص قرار می گیرد. بیست و دو سال پیش هیچ کتابی در مورد علم کتابداری به فارسی وجود نداشت و امروز حدود پانصد کتاب کتابداری و اطلاع رسانی به اضافه صدها مقاله به زبان فارسی در اختیار دانشجویان و دانش پژوهان کتابداری است. تلاش ما برای باز هم بارورتر شدن این علم همچنان ادامه دارد...

این مقاله متن سخنرانی خانم سلطانی در کنفرانس «جایگاه کتاب در احیای تمدن شرق» است که از ۲۹ خرداد تا ۴ تیر ۱۳۶۹ در شهر دوشنبه تاجیکستان برگزار شد.

۱. رکن الدین همایونفرخ، تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی. تهران: سازمان کتابخانه های عمومی شهرداری تهران، ۱۳۴۴، ص ۲۷.
۲. برای شرح مفصل تاریخچه این کتابخانه نگاه کنید به: رمضانعلی شاکری. گنج هزارساله: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
۳. «آموزش کتابداری جدید در ایران» خبرنامه انجمن کتابداران ایران، ۳ (۴)، زمستان ۱۳۴۹: ۳۷-۴۴. و نیز نگاه کنید به نامه آقای ایرج افشار «خبرنامه انجمن کتابداران ایران»، ۳ (شماره ویژه) زمستان ۱۳۴۹: ۸۴-۸۵.
۴. آقای عباس مظاهر رئیس مرکز و خانم مهین تفضلی معاونت مرکز را بعهده داشتند.
۵. ایران امروز در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۱۶ به تحقق پیوست و اکنون کتابخانه ملی ایران بعنوان سازمانی مستقل زیر نظر یک هیأت امنا که ریاست آن با رئیس جمهور کشور است اداره می شود.



تسهیلات وضع نشر مجموعه آنها افزایش یافته است. نضج کتابخانه های تخصصی با مجموعه های غنی در زمینه فعالیت و اهداف سازمان ذریبط در انقلاب اسلامی ایران بسیار شایان توجه است. از آن جمله است کتابخانه بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی که دارای مجموعه ای ارزشمند، عمدتاً شامل کتب فارسی و عربی و انگلیسی در زمینه اسلام شناسی و ایران شناسی است. برای این کتابخانه ساختمانی با زیربنای چندین هزار متر مربع در دست ساختمان است. همچنین از کتابخانه عظیم آیت الله مرعشی در قم باید نام برد که علاوه بر مجموعه ای نفیس و نادر در زمینه علوم دینی و موضوع های وابسته، مجهز به کلیه ابزار و وسایل کتابداری و خدمات کتابداری و خدمات اطلاعاتی نیز می باشد. کتابخانه مرکز مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه شامل اسناد و مدارکی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و سایر زبانهای زنده دنیا، یکی دیگر از کتابخانه های تخصصی موجود است. دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی جدیدالتاسیس نیز مجهز به کتابخانه های مدرن شده اند. از آن جمله باید از دانشکده علوم دفاعی در اصفهان یاد کرد که برنامه ریزی اولیه آن زیر نظر متخصصان کتابخانه ملی ایران انجام گرفت و هم اکنون با گروهی کتابدار متخصص در اصفهان مشغول بکار است.

کتابخانه جدید بخصوص در زمینه کتابخانه های تخصصی و دولتی در ایران بسیار بوجود آمده است. قصد این نیست که تعداد کتابخانه ها را برشماریم. زیرا که با همه این تلاشها هنوز هم برای برآوردن نیاز جامعه کتابخوان بالقوه و بالفعل ایران راه دارازی در پیش است.